توجه اروپائیان بحافظ

نشریهء ماهیانهء مستشرقان لهستانى شمارهء دوم خود را که در سال 1950 انتشار یافته‏ بحافظ شیرازى اختصاص داده است.این مجله بکمک وزارت فرهنگ لهستان منتشر میشود و نویسندگان آن اعضاء جمعیت مستشرقان لهستانى در شهر کراکوى میباشند.نویسنده این‏ مقاله آنانیاش زاینچکوسکى نام دارد و مترجم غزلیات حافظ بزبان لهستانى میباشد. در ابتداى مقاله تحت عنوان«حافظ-تاریخ و مکان تولد و حیات»مینویسد مقام حافظ در ادبیات ایران بیشتر از این مورد توجه است که اشعار او در خارج از محیط نشو و نماى او نیز مورد علاقه و نزدیک بفهم عامه میباشد.در اوایل قرن چهاردهم بین سئوات 1300 و 1320 مسیحى در شیراز بدنیا آمد.در سال 1389 در سن هشتاد سالگى در زادگاه خویش شهر شیراز وفات یافت و همانجا در خاک مصلى که در وصف آن اشعار بسیار سروده شده است‏ مدفون گردید.

در اواخر قرن هفدهم میلادى انگلبرت کامیفر دانشمند معروف و مؤلف دائرة المعارف‏ «آمنیتاتس اکزوتیتسه»در شیراز مقبره حافظ را که در میان درختان سرو قرار گرفته است‏ دیدن کرده و متن کامل مندرجات سنگ مزار او را ذکر نموده است.ماده تاریخ«خاک مصلى» است که 791 هجرى و 1389 میلادى میشود پس از مرک حافظ یکى از شاگردان که‏ بسیار مورد توجه حافظ بود بنام گلندام آثار او را جمع نموده بنام دیوان در آورد.که‏ مشتمل بر 700 غزل،قصیده،قطعه،رباعى است.میکده‏ها اغلب در خارج شهر در خرابه‏ هاى آتشکده‏هاى قدیم زرتشتیان دایر میشده و بهمین دلیل آنها را خرابات مینامیدند. میخواران شبها در پرتو ماه و دور از انظار در این خرابه‏ها اجتماع میکردند و همین اوضاع‏ مربوط بدیگران و سوانح خویش یکسان درستى بخرج میدهد چنانکه تصویریکه از خود باقى‏ گذاشته بقدرى حقیقى است که حتى از ترجمه آن نیز تقریبا صداى او شنیده میشود و در آنجا اجداد خود را نیز مجسم ساخته است.ششمین پشت تیمور بود و تا زندگانى او رو بآخر نشد بتسخیر هند توفیق نیافت و نخستین پادشاه مغول نگردید ولى پس از کوشش سى ساله در راه‏ باز یافتن مقام خود در سرزمین آمو این کمال آرزوى او محسوب نمیشد.با سلیقه‏اى که‏ داشت آنچه توانست کوشید تا زندگى در کشورى چنان نفرت‏انگیز برایش میسر شود.انتقاداتى‏ که میکند معیارى را که آرزوى او بوده نشان میدهد.هندیان بنظر او زشت میآمدند و صحبت آنان خسته کننده و میوههاى آنان بى‏مزه و حیوانات آنان بى‏تربیت بودند.میگوید در کارها و صنایع دستى آنان نه ریخت هست نه تناسب نه اسلوب نه شایستگى...براى‏ ساختمانهاى خود نه ظرافت مطالعه میکنند نه هوا نه ظاهر نه ترتیب.

و احوال خهود به ظهور افکار شاعرانه کمک مینمود.در قدیم براى اشعار حافظ معانى عرفانى‏ قائل میشدند و هم اکنون هم بعضى اوقات اشعار او را داراى معنائى غیر از معناى ظاهرى‏ میدانند.جامى که در قرن یازدهم میلادى میزیسته او را«لسان الغیب»خوانده است. شراب را آب حیات و میکده را خانقاه صوفیان و مست را عارف تعبیر میکردند.بعضى‏ از اروپائیان نیز این تعبیر را بدون تحقیق و مطالعه نقل کرده‏اند.بعضى از قسمتهاى دیوان‏ حافظ را میتوان داراى معنى عرفانى دانست و قسمت اعظم آن همان اشعار بزمى است.یکى‏ از خصوصیات غزل حافظ اینست که ابیات آن داراى معنى جداگانه میباشد«نظم»بمعناى‏ دانه‏هاى مروارید نخ کرده است که اگر نخ آنرا بردارند دانه‏هاى مروارید از هم جدا خواهد شد.ابیات غزل هم فقط بوسیله قافیه بیکدیگر متصل شده است.این شاعر را «ترجمان الاسرار»مینامند و دیوان حافظ را براى تفال بکار میبرند.علاوه بر این دیوان‏ حافظ را همه جا چه در مدرسه چه در کاخ‏ها و چه در کلبه‏هاى محقر و چه در میکده‏ها همه میخوانند.بعضى از غزلیات حافظ را تذکره‏نویسان بوقایع تاریخى مربوط دانسته‏اند.

درباره غزل مشهور اگر آن ترک شیرازى بدست آرد دل ما را داستانى حکایت میکنند که‏ دلیل بر شهوت و معروفیت فوق العاده حافظ میباشد.میگویند در سال 1387 تیمور لنگ‏ در راس سپاهیان خود بشیراز رفت و حافظ را احضار کرد.حافظ خرقهء صوفیانه‏اى از پشم‏ بر تن داشت.تیمور او را گفت من این همه رنج و مرارت بر خود هموار کردم و اقطار جهان‏ را بتصرف در آوردم تا پایتخت خود سمرقند و بخارا را تسخیر کنم و تو آنرا بیک خال هند و میبخشى.حافظ جواب میدهد همین بذل و بخشش مرا باین تنک‏دستى دچاره کرده است.حافظ تقریبا 250 سال بعد از وفاتش در اروپا شناخته شد.سیاح معروف ایطالیائى پیتر و دلاواله‏ در نامه‏اى که در ژویه 1622(این نامه در سال 1650 بچاپ رسیده)بیکى از دوستانش‏ نوشته حافظ را شاعر بزمى میخواند و وى را با پتر ارک مقایسه مینماید.در حقیقت اروپا در قرن نوزدهم با اشعار حافظ آشنا شد زیرا در این موقع اولین چاپ دیوان حافظ(اولین‏ بار در 1791 در کلکته و در 1854 در اورپا بچاپ رسید)منتشر شد.اولین ترجمهء کامل‏ حافظ بزبان آلمانى در سال 1812 بوسیلهء بانى«مدرسه علوم شرقى»پروفسور هامر پورگستال انجام گردیده است و شاعر معروف آلمانى از همین ترجمه استفاده نموده و در «دیوان شرقى»افکار حافظ را بلباس اروپائى درآورده است.از این تاریخ ببعد حافظ در اروپا مشهور شد و تقلید از غزلیات حافظ بین شعراى اروپا مرسوم گشت.شاعر آلمانى‏ بود نستدت وفت شاعر روسى و بسیارى از شعراى دیگر از حافظ تقلید نمودند و خواننده‏ اروپائى را با سبک غزل او آشنا ساختند.حتى آلکساندر پوشکین شاعر معروف روسى اشعارى‏ تحت عنوان«از حافظ»سروده است.

در اتحاد جماهیر شوروى امروز ترجمه‏هاى متعددى از دیوان حافظ منتشر میشود. این ترجمه‏ها مستقیما از زبان فارسى بعمل میاید و سعى شده است تا حد امکان شکل فارسى‏ آن نیز رعایت گردد مانند ترجمه دونایوسکى».اصل فارسى دیوان حافظ را مردم جمهورى تاجیکستان با منتهاى اشتیاق میخوانند.کلیمویچ نویسنده کتاب«قطعات منتخبه از ادبیات‏ ملتهاى جماهیر شوروى»در مقدمه‏اى که بر ترجمهء غزلیات حافظ نوشته است این امر را تصدیق میکند و میگوید اشعار حافظ در تاجیکستان فوق العاده مورد علاقه مردم بوده و میباشد.چند غزل حافظ را در همین کتاب ترجمه نموده که غزل اگر آن ترک شیرازى... نیز جزء آنهاست.

در لهستان تا کنون نام حافظ بطور شایسته مشهور نگردیده و احراز موفقیت ننموده‏ است.در واقع موقعیکه هنوز اروپا نام حافظ را نشنیده بود یکى از مستشرقین معروف‏ لهستان منینسکى در اواخر قرن هفدهم میلادى براى اولین بار غزلیات حافظ را ترجمه نمود ولى این ترجمه بزبان لاتینى صورت گرفت.همین مستشرق در کتاب دستور زبان ترکى عثمانى‏ که شخصا تالیف نموده است در قسمتى که مخصوص عروض است اولین غزل دیوان حافظ «الا یا ایها الساقى»را بعنوان مثال آورده است.

توجه بحافظ در ادبیات لهستانى بیشتر در میان رمانتیک‏هائى که بادبیات مشرق زمین‏ علاقه داشتند مخصوصا اطرافیان آدام میتسکویچ شاعر معروف لهستانى آشکار گردید بطوریکه‏ یکى از افراد این دسته یان‏نپوموتسن و یرنیکوسکى اولین کسى بود که حافظ را بزبان‏ لهستانى ترجمه کرد.میتسکویچ دوستش را در این کار تشویق و ترغیب مینمود چنانکه از نامه‏هایش برمیاید گویا یقین نداشت که ویرنیکوسکى موفق بترجمه حافظ گردد.در نامه‏اى‏ که در تاریخ نهم ژوئن 1827 به مستشرق معروف یوزف کوالکوسکى مینویسد باین موضوع‏ اشاره و از او تقاضا میکند که ویرنیکوسکى را در این کار تشویق نماید.بالاخره در سال‏ 1838 در مجله‏اى بنام مجموعهء ادبى تالیف کژچ کوسکى در میان بسیارى اشعار دیگر از جمله بعضى اشعار آدام میتسکویچ تحت عنوان«غزل‏هاى حافظ شاعر ایرانى ترجمه از فارسى بوسیله یان ویرنیکوسکى»منتشر گردید ولى گویا مترجم بهمین پنج غزل اکتفا نمود. از ترجمه‏هائى که بعدها از دیوان حافظ منتشر شده است چنین برمیآید که ویرنیکوسکى اولین‏ مترجم غزلیات حافظ بخوبى از عهدهء این کار برآمده است.حافظ در ادبیات لهستانى تاثیر بسزائى داشته بطوریکه آدام میتسکویچ بزرگترین شاعر لهستانى کلمهء بلبل را در اشعار خود آورده و بعضى تعبیرات از قبیل یاد بود گل و نغمه بلبل را اقتباس نموده است.در عصر حاضر در سال 1921 شاعر معروف لهستانى لانژه تحت عنوان«دیوان شرقى»قطعاتى‏ جمع‏آورى نموده است و در آن قطعاتى از حافظ ترجمهء خود مؤلف و یوزف شوسکى دیده‏ میشود فرانتسیشک ماخالسکى ترجمهء مستقیمى از حافظ انجام داده است.که آخر جنک اخیر در چاپخانه لهستان در طهران تحت عنوان«مطالعات ایرانى»منتشر گردیده است لیکن این‏ ترجمه باقرار خود مترجم«ترجمه آزاد»است.خود میگوید بیست سال درباره حافظ مطالعه کردم و 65 را بزبان لهستانى در آوردم و گمان میکنم مطابق با اصل و از این لحاظ داراى اهمیت غزل باشد.در این رساله چند غزل بزبان فارسى با ترجمه آنها باضافه چند مینیاتور ایرانى چاپ شده است.